روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
چهارشنبه ۱۴ دی ۱۴۰۱ • ۱۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ • ۴ ژانویه ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۴۶۳ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۹ • اذان مغرب ۱۷:۲۴
اذان صبح فردا ۵:۴۵ • طلوع آفتاب ۷:۱۵

روزنامه شرق

• پدیده مه‌گرفتگی که از بامداد سه‌شنبه ۱۳ دی در اهواز آغاز شده بود موجب کاهش دید افقی و باطل شدن پروازهای فرودگاه این شهر شد.
عکس: علی معرف/ایرنا

دیالوگ روز

در ضمن، دوستت دارم - ریچارد لاگراونیز – محصول ۲۰۰۷

پاتریشیا (کیتی بیتس):

می‌دونی بدترین چیز برای پدر و مادر چیه؟

لحظه‌ای که بچه‌شون رو از دست می‌دن؟ نه! اینکه ببینن بچه‌شون داره همون مسیری رو تو زندگی طی می‌کنه که خودشون رفتن و جلوش رو هم نمی‌تونن بگیرن. وحشتناکه.

یادداشت

علاج اتاق گاز تهران

دکتر رضا بیات*

در بخش اول این مقاله که روز گذشته منتشر شد، به شرح چیستی و چرایی آلودگی مرگبار هوا پرداخته شده بود. در این بخش قرار است چند راه برای علاج اتاق گاز تهران بررسی شود.

• • •

مسئله آلودگی هوا در بسیاری از کشورها تا حد زیادی حل شده است و نباید با غفلت از راه‌حل‌های تجربه‌شده در دنیا، به دنبال راه‌حل‌های به‌اصطلاح ژانگولری مثل پنکه بزرگ برای شهر یا آبپاش یا پمپ‌کردن هوا یا خیس‌کردن دره‌ها باشیم که طبیعتا برای حل مسائل چندوجهی نمی‌توان یک راه‌حل یک‌بعدی داد. مطابق تجربه بسیاری از کشورها، مدیریت آلودگی هوا نیازمند یک برنامه جامع است که با اجرای آن بتوان طی چند سال منابع تولید آلودگی را کاهش و با افزودن راهکارهای جانبی مانند کاهش سفرها از طریق توسعه دولت الکترونیک، مدیریت ترافیک و افزایش سهم حمل‌ونقل پاک، از رده خارج‌کردن خودروهای فرسوده و مهم‌تر از همه جدیت در اجرا و صرف هزینه برای آن، آلودگی هوا را کاهش داد. اما عمده تمرکز باید بر کاهش تولید آلودگی صرف شود. متأسفانه سازمان حفاظت محیط زیست، به‌عنوان متولی اصلی کیفیت هوا، خود را یک نهاد نظارتی و فاقد قابلیت انجام اقدامات اجرائی می‌داند و نداشتن متولی قوی و مشخص در کشور، دلیل اصلی حل‌نشدن مسئله آلودگی هوا یا حتی بهبود شایان توجه آن است.

در مقیاس سالانه، منابع متحرک نقش درخور توجهی در تولید آلودگی هوا دارند. کامیون‌های فرسوده، ناوگان فرسوده اتوبوس‌رانی و خودروهای شخصی، عمده منابع تولید ذرات معلق در هوا هستند. منابع ساکنی نیز هستند که به نوعی در خدمت منابع متحرک هستند؛ مانند تبخیر بنزین از پمپ‌بنزین‌ها، ترمینال‌های مسافربری شهری و بین‌شهری و تبخیر بنزین از خودروهای پارک‌شده. در این میان، آنچه نقش منابع متحرک را در تولید آلودگی مضاعف می‌کند، وجود سرعت پایین ترافیکی و کارکرد درجای خودروهاست. هرچه ترافیک روان‌تر باشد، میزان تولید آلودگی خودروها نیز در پیمایش یکسان معمولا کمتر است؛ بنابراین رابطه مستقیمی بین ترافیک و آلودگی هوا وجود دارد و توسعه حمل‌ونقل عمومی پاک و از رده خارج‌کردن اتوبوس‌های فرسوده و جایگزین‌کردن آنها با اتوبوس‌های برقی، نه‌تنها یکی از منابع متحرک تولید آلودگی را کاهش می‌دهد، بلکه با اعمال مدیریت صحیح حمل‌ونقل و کاهش بار ترافیکی، به‌طور غیرمستقیم بر کاهش آلودگی سایر منابع متحرک نیز تأثیرگذار است.

توسعه حمل‌ونقل انبوه‌بر یعنی خطوط مترو و مهم‌تر از آن افزایش ناوگان و کاهش سرفاصله‌ها و در نتیجه افزایش سهم حمل‌ونقل پاک در توزیع سفرهای شهری، از موارد مؤثر در کاهش آلودگی هواست. بنابراین، به وسیله توسعه زیرساخت حمل‌ونقل عمومی پاک و افزایش ظرفیت این مودهای حرکتی و هم‌زمان اعمال محدودیت بر تردد شخصی‌ها و تک‌سرنشین‌ها و در نتیجه افزایش سهم مودهای حرکتی پاک، تولید آلودگی در شهر به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد و محیط برای تشویق شهروندان به استفاده از دوچرخه و تردد پیاده فراهم و سهم حمل‌ونقل پاک بیشتر و بیشتر می‌شود.

بنابراین افزایش ناوگان اتوبوس برقی و مترو، چه از طریق واردات و چه از طریق تولید داخل، برای مدیریت کیفیت هوا شدیدا توصیه می‌شود. به گفته شهردار تهران، حتی با وعده پیش‌خرید سه سال محصولات داخلی، مجوز واردات اتوبوس به کندی صادر می‌شود و امیدواریم که این مهم رفع شود.

رؤیای داشتن سهم عمده حمل‌ونقل پاک در سفرهای شهری، رؤیایی بسیار شیرین است؛ اما الان بخش عمده سفرها توسط حمل‌ونقل شخصی انجام می‌شود و همه شاهد وفور تردد تک‌سرنشین‌ها، قیمت پایین سوخت و عدم کفایت سیستم حمل‌ونقل عمومی هستیم. دولت الکترونیک و امکان انجام کارهای اداری، بدون مراجعه حضوری نیز شیرین است؛ اما هنوز در قدم‌های ابتدایی آن به سر می‌بریم.

ماتریس تولید و جذب سفر نشان می‌دهد تردد، بین مناطق مختلف، به‌شدت جریان دارد و هرچه جمعیت بیشتر باشد، نیاز به سفر بیشتر می‌شود و تعداد جابه‌جایی‌های شهری افزایش می‌یابد. در این میان، تحمیل خودروهای ساکنان شهرهای اطراف را نیز که عموما فرسوده و آلودگی‌زا هستند، نباید نادیده گرفت. جمعیت شهرنشین بیشتر مساوی است با تردد بیشتر. البته نباید فراموش کرد بر اساس تجربیات موفق موجود در دنیا، در صورتی که پیشرفت پایدار رخ دهد، حتی با افزایش جمعیت می‌توان میزان تولید و انتشار آلاینده‌های هوا را به‌طور معناداری کاهش داد.

اخیرا جمعیت دنیا از مرز هشت میلیارد نفر فراتر رفت و ۵۵ درصد این جمعیت در نواحی شهری ساکن هستند. این در حالی است که درصد جمعیت شهرنشین در ایران، بیش از ۷۶ درصد است. نتایج آخرین سرشماری ۱۳۹۵ در ایران، جمعیت شهر تهران -شامل ۲۲ منطقه شهرداری- را ۶/۸ میلیون نفر نشان می‌دهد و با در نظر گرفتن درصدهای افزایش جمعیت سنوات قبل و نیز کاهش مرگ‌ومیر، جمعیت تهران به‌طور تخمینی ۶/۹ میلیون نفر و مساحت تهران ۵/۶۱ هزار هکتار یا ۶۱۵ کیلومترمربع است. بنابراین تراکم جمعیت تهران در سال ۱۴۰۱ به‌طور متوسط حدود ۱۵۶ نفر در هکتار است. این تراکم از تراکم اکثر پایتخت‌های مهم دنیا بیشتر است. علاوه بر نیاز سفرهای روزانه و شبانه که برای جابه‌جایی ساکنان شهر وجود دارد، تأمین مایحتاج این جمعیت نیز تعداد سفرهای درخور توجهی را ایجاد می‌کند. مثلا جابه‌جایی پسماند تولیدی به ایستگاه‌های میانی و سپس انتقال آن به محل دفن، یا انتقال مایحتاج مصرف روزانه خانوار به محل‌های توزیع یا مصرف‌کنندگان، یا ساخت‌وساز واحدهای مسکونی و ترددهای تأمین مصالح از مثال‌های مشهودی هستند که نشان می‌دهد جمعیت شهری بیشتر به معنی ایجاد تردد بیشتر است و تردد بیشتر به معنی تولید آلودگی بیشتر.

با تجمع و تمرکز آلودگی هوای موجود در شهرها و با درنظرگرفتن جو پایداری که معمولا در فصول سرد سال وجود دارد، تمرکز جمعیت در اتاق گازهای کشور به خسارات جانی و اقتصادی منجر شده و افزایش جمعیت شهرنشین به معنی ورود بیشتر جمعیت به این اتاق‌های گاز، افزایش مضاعف سنوات ازدست‌رفته عمر و خسارات اقتصادی مضاعف بر پیکره کشور است.

تجربیات موفق در سایر مناطق دنیا نشان داده مشکل آلودگی هوا قابل حل و راهکارهای آن کاملا مشخص است. مهم‌ترین اقدامات شامل انجام مطالعات معتبر علمی برای کسب اطلاعات پایه درباره وضعیت غلظت آلاینده‌ها، سیاهه انتشار، سهم‌بندی منابع و اثرات آنها بر سلامت، ارائه شفاف و آزادانه داده‌ها و اطلاعات، برنامه‌ریزی شهری جهت توسعه فضای شهری به سمت پیاده‌مداری و دوچرخه‌سواری، استفاده از انرژی‌های پاک، بهبود کیفیت سوخت و خودروهای تولیدی، به‌روزکردن استانداردهای انتشار، آموزش همگانی جهت تغییر الگوی مصرف و بهینه‌سازی انرژی، ارتقای حمل‌ونقل عمومی، از رده خارج‌کردن خودروهای فرسوده، نظارت جدی بر منابع انتشار ثابت، توجه جدی به مدیریت صحیح پسماندها، آمایش سرزمین و مدیریت منابع آب به‌منظور جلوگیری از بیابان‌زایی و تولید منابع گردوغبار، اولویت‌بندی اقدامات بر اساس هزینه-فایده و در نهایت تعیین شاخص‌های کمی برای اقدامات کنترلی است. تنفس در اتاق گاز تهران، حق ما نیست. به هوش باشیم.

*کارشناس محیط زیست و متخصص آلودگی هوا

«مدنی»ها و مدنیت

حسین ناصری
روان‌شناس پیشگیری

بنا بر تعریف، جامعه مدنی متشکل از افراد یا سازمان‌هایی است که مستقل از دولت بوده و به‌عنوان حلقه واسط بین دولت و مردم، زمینه نزدیکی بین سیاست‌های کلان کشور و نگرش‌ها و باورهای شهروندان را فراهم می‌کند. کاربرد کلی‌تر این مفهوم به مواردی نظیر آزادی بیان و قوه قضائیه مستقل اشاره دارد که زیربنای شکل‌گیری جامعه مردم‌سالار است. ازاین‌رو شاید بتوان گفت مهم‌ترین کارکرد جامعه مدنی، حاکمیت قانون است؛ مفهومی به‌غایت مهم که سنگ بنای پیشگیری از هر نوع آسیب، تبعیض و در نهایت نارضایتی‌های فراگیر است. بخشی از جامعه مدنی را پژوهشگران و روزنامه‌نگاران مستقلی تشکیل می‌دهند که به انواع و اقسام نواقص، کژکاری‌ها و تحریف از قوانین و مقررات پرداخته و به سیاست‌گذار و جامعه انعکاس می‌دهند. همان‌گونه که بخشی از سلامت روان افراد در عصر اطلاعات، به واسطه تسلط به مبانی تفکر نقادانه تأمین می‌شود تا آنان با تمییز سِره از ناسِره در دام اطلاعات و توصیه‌هایی نیفتند که سلامت روان‌شان را مخدوش کند، خبرنگاران و پژوهشگران آزاد نیز با تاباندن نور به بخش‌های تاریک جامعه، تلاش می‌کنند با شناسایی آسیب‌های اجتماعی، زمینه ارتقای آسایش جامعه را فراهم کنند. روشن است که استقبال از گزارش‌ها و پژوهش‌های نقادانه، تقویت جامعه مدنی را به دنبال خواهد داشت. متعاقبا تقویت جامعه مدنی است که ثبات و امنیت را به دنبال دارد. چنانچه سیاست‌گذار اهمیت و ارزش نقد را بداند، با استقبال از انواع پژوهش و تحقیق و شفاف‌سازی که به سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های اجرائی می‌پردازند، مهم‌ترین قدم را برای افزایش رضایت عمومی و درنهایت امنیت و ثبات برمی‌دارد. معنای رضایت عمومی، احساس مثبت افراد از شرایط فردی و اجتماعی است که خود ناشی از مدیریت صحیح کشور است. به‌این‌ترتیب روشن است که خبرنگاران و پژوهشگران به‌عنوان بخش مهمی از جامعه مدنی ازجمله ارکان تقویت بنیان‌های حاکمیت کلان کشور به حساب می‌آیند. محکومیت سعید مدنی به ۹ سال زندان، در کنار سال‌ها حبس و تبعید در گذشته، گواه آن است که نگاه مثبتی به نقد علمی شرایط موجود و پیشگیری از وقوع چالش‌های اجتماعی وجود ندارد.

جالب است که سوابق علمی و پژوهشی دکتر مدنی در حوزه مسائل اجتماعی، به حدی درخورتوجه است که انتظار می‌رفت مدت‌ها قبل، دانشگاه‌های طراز اول برای استخدام او به رقابت بیفتند؛ ولی بنا به مصاحبه روزنامه «شرق» با دکتر حسن رفیعی نه‌تنها این امر محقق نشد؛ بلکه او همواره با قراردادهای بسیار غیررسمی با دانشگاه توان‌بخشی و سلامت اجتماعی به فعالیت می‌پرداخت. وقتی افرادی مثل مدنی تحمل نمی‌شوند، علاوه بر اینکه امور تصحیح نمی‌شوند، این پیام به جامعه مخابره می‌شود که کنارگذاشتن جامعه مدنی به‌جد در دستور کار است. نیم‌نگاهی به آثار پژوهشی سعید مدنی نشان می‌دهد که او با تمرکز بر مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی، در تلاش بوده است که سیاست‌گذار را در جریان آنچه در جامعه می‌گذرد، قرار دهد؛ اعتیاد، فقر، کودک‌آزاری، روسپی‌گری و خشونت حوزه‌های پژوهشی مورد علاقه او بوده‌اند که دهه‌هاست با تحقیق و پژوهش در این حوزه‌ها، یافته‌های قابل اعتنایی را عرضه کرده است. آشکارا وقتی فردی سال‌ها در حوزه آسیب‌های اجتماعی مشغول به مطالعه باشد، نگاه پیشگیرانه‌ای را پیدا خواهد کرد که به تبع آن پیشنهادها و نقدهایی را به نحوه مدیریت کشور خواهد داشت. نکته درخورتوجه این است که او در دهه ۷۰ به‌عنوان اولین گروه از مدیران حوزه پیشگیری مشغول به فعالیت شد و از همان زمان، متمرکز بر نگاه پژوهشی و مبتنی بر شواهد بود. شاید علت تغییر جهت او از علم روان‌شناسی به علوم اجتماعی همین موضوع باشد که با تحقیق و تفحص در حوزه آسیب‌های اجتماعی، درنهایت متوجه شد که مهم‌ترین راهبردهای پیشگیرانه برای جلوگیری از به‌وجودآمدن انواع آسیب‌های اجتماعی، دو عامل مهم فقر و بی‌عدالتی است. مشخص است که این دو عامل به واسطه برنامه‌های پیشگیرانه مبتنی بر فرد، رفع نمی‌شوند؛ بلکه لازم است سیاست‌گذاری‌های کلان کشور در راستای کاهش مداوم آنها برنامه‌ریزی و به اجرا درآیند. او در کتاب «وضعیت توسعه انسانی در ایران» که براساس گزارش جهانی توسعه انسانی تألیف کرده است، به موضوعات مهمی پرداخته است که در شرایط فعلی نیز می‌توان از آنها بهره برد: «هر جامعه‌ای در برابر خطرات ناشی از بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی قرار می‌گیرد؛ اما سؤال مهم این است که چرا برخی جوامع در مقایسه با دیگران کمتر آسیب می‌بینند و سریع‌تر نیز بازسازی می‌شوند؟ ... جهانی‌سازی، آسیب‌پذیری ساختاری و دوره‌های مهم و حساس چرخه زندگی مثل کودکی، نوجوانی و سالمندی ازجمله مباحثی هستند که از دیدگاه گزارش توسعه انسانی، مسائل و مشکلاتی را برای جوامع و کشورها پدید آورده‌اند که در صورت بی‌توجهی به آنها، زندگی مردم در معرض آسیب‌پذیری و تهدیدهای جدی‌تری قرار می‌گیرد». او در فصل اول این کتاب به موضوع مهمی اشاره می‌کند: «در مقایسه با رویکرد رفاه اجتماعی که شاخص زندگی بهتر را میزان مصرف کالاها و خدمات می‌داند، رویکرد توسعه انسانی، علاوه بر رفاه، تأمین نیازهای غیرمادی و گسترش توانمندی‌ها و ظرفیت‌های انسانی را از عناصر مهم زندگی بهتر به شمار می‌آورد. همچنین درحالی‌که رویکرد نیازهای اساسی، هدف توسعه را تأمین نیازهای اساسی قرار می‌دهد، رویکرد توسعه منابع انسانی نه‌تنها تأمین این نیازها بلکه اقتدارافزایی افراد برای زندگی بهتر را نیز به همان میزان مهم و ضروری می‌داند». در این کتاب، درباره اینکه «چه کسی، در برابر چه و از چه طریق آسیب‌پذیر است؟» در سطح سوم آسیب‌پذیری، این موضوع را به تصویر می‌کشد که همه جوامع در برابر کشمکش، منازعه و ناآرامی شهری به علت انسجام اجتماعی پایین، نهادهای غیرپاسخ‌گو و حکمرانی ضعیف آسیب‌پذیرند. در این کتاب در ادامه موضوع مهم تاب‌آوری مطرح می‌شود: «تقریبا همه بر سر این مفهوم مشترک اتفاق نظر دارند که تاب‌آوری انسانی عبارت است از اطمینان نسبت به امکان وجود فرصت‌های کافی در حال و آینده، تا افراد امکان مدارا و سازگاری در برابر حوادث نامطلوب را داشته باشند و از توانایی حفاظت از خود و دیگران برخوردار باشند... بنابراین خطای بزرگی است اگر تاب‌آورسازی را امری روان‌شناختی و فردی محسوب کنیم و انتظار داشته باشیم افراد را فارغ از شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برای مقابله با تهدیدات ساختاری و نابرابری‌ها مهیا کرد». در کتاب وضعیت توسعه انسانی در ایران به تعریف حکمرانی خوب نیز پرداخته شده است: «ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضائی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخ‌گو. براین‌اساس، شش شاخص حکمرانی خوب عبارت‌اند از: ۱- حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ۲- ثبات سیاسی، ۳- کارایی و اثربخشی دولت، ۴- کیفیت مقررات و قوانین، ۵- حاکمیت قانون و ۶- کنترل فساد». البته اینکه در جلسات دادگاه، مدنی و وکیلش چه توضیحاتی را ارائه دادند که در نهایت مورد قبول قاضی قرار نگرفته و براساس موارد اتهامی، او مجرم شناخته شد و به ۹ سال حبس محکوم شد، موضوع مهمی است. علنی‌نبودن جلسه، افکار عمومی را از این حق اجتماعی محروم کرد که نتواند نقادانه درباره اتهام، جرم متهم و مجازات تعیین‌شده تأمل کند. اگر بر روی میز دولت دو پوشه را در نظر بگیریم که در یکی تبیین شرایط موجود و در دیگری راهکارهای عملیاتی برای حل مسائل و مشکلات اساسی کشور موجود باشد، به احتمال زیاد تبیین و راهکار اضافه‌ای نیاز نخواهد بود؛ چراکه هر دو پوشه، مملو از موارد دقیق و باکیفیتی هستند که همگی از طرف امثال مدنی با نهایت دلسوزی و با هدف جلوگیری از بحران‌های اجتماعی تهیه شده‌اند. افسوس و صدافسوس که با حذف افرادی مانند جناب مدنی و بی‌توجهی به تبیین و راه‌حل‌های اجرائی آنان، روزبه‌روز بر پیش‌بینی‌ناپذیری رفتار جامعه افزوده خواهد شد: کلید گنج سعادت قبول اهل دل است/ مباد کس که در این نکته شک و ریب کند.

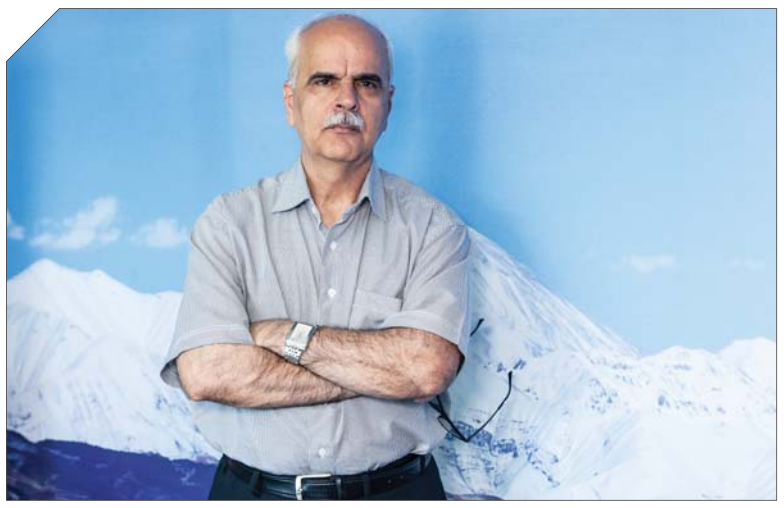

نقد هفته

عدالت آموزشی

امیر عربی
چشم‌پزشک

این‌روزها طرح اصلاح قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجو در رشته‌های تخصصی در مجلس درحال بررسی است. طرحی که ریشه‌اش به بیش از یک دهه قبل برمی‌گردد و ترجمان ساده و قابل‌فهم آن، این است که می‌توانید با سهمیه منطقه محروم با نمره پایین‌تر به تحصیل تخصص پزشکی بپردازید؛ به شرطی که بعد از فارغ‌التحصیل‌شدن برگردید و در همان منطقه سهمیه به طبابت بپردازید. مدت تعهد هم ابتدا سه‌برابر مدت تحصیل بود، سپس دو برابر بعد ۱/۷ برابر بعد ۲/۲ برابر شد و نهایتا هم مطابق انتظار چندنرخی شد و بعضی رشته‌ها بیشتر بعضی کمتر باید تعهد خود را در مناطق محروم بگذرانند. روی کاغذ این طرح می‌توانست در طول یک دهه نیاز مناطق موردتعهد را برآورده کند و حتی شاید کار به نیروی مازاد هم می‌رسید. کافی است یک حساب سرانگشتی بکنید و متوجه شوید با توجه به تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان این سهمیه و انباشته‌شدن آنها در طول سال‌ها، منطقا دیگر منطقه محرومی نباید بماند که متخصص نداشته باشد. وقتی این هدف محقق نشده، پس جایی از کار شدیدا می‌لنگد. علت لنگش هم این است که تورم و مشکلات اقتصادی این ۱۰ سال و افزایش‌نیافتن درآمد پزشکان متناسب با آن بخش عمده‌ای از این پزشکان متعهد را به زیر خط فقر برد. وقتی این اتفاق افتاد، انگیزه پزشکان کم شد و بهانه‌گیری‌ها زیاد شد. به قسمی که پزشک متعهد با ذکر این نکته که من باید ۱۲ سال عمرم را در این منطقه بگذرانم، از رفتن به شهر یا روستای محروم‌تر شانه خالی کرد و با تأیید مرموزانه دانشگاه‌های علوم پزشکی سر از مراکز استان‌ها درآورد. خلاصه هرچه از این‌ور فارغ‌التحصیل سهمیه محروم بیشتر، از آن‌ور مناطق محروم خالی‌تر شد؛ یک سقوط آزاد دیگر در یکی از طرح‌های بهداشتی و درمانی که روی کاغذ جذاب‌اند ولی در عرصه عمل کاغذپاره‌ای بیش نیستند. شاید همین مسائل باعث شد که این طرح برای بار چندم گذرش به مجلس بیفتد بلکه چکش‌کاری شود و چیزی از آن به سیستم درمانی کشور برسد. در همین مرحله یک انتقاد ریز وارد است و آن اینکه بهتر بود رأی‌دهندگان به این طرح و پیچیدگی‌های آن که اساسا فقط در حیطه فکری و عملی پزشکان است، از عوام نمایندگان مردم انتخاب نمی‌شد. کافی است این روزها ساعت ۹-۱۰ صبح شبکه خبر را دنبال کنید و ببینید نمایندگانی که درحال نظردادن هستند، اساسا چیزی از جزئیات مشکلات این طرح نمی‌دانند و با همان طرحواره ذهنی ۴۰ سال قبل خود به قضاوت موضوع می‌پردازند. یعنی فکر می‌کنند پزشکان ابرثروتمندان جامعه هستند و آخر شب از مطبشان با گونی به خانه‌هایشان پول منتقل می‌کنند؛ غافل از اینکه با یک ضرب و تقسیم می‌فهمند به نسبت سال‌های تحصیل و مشقت، بدنه پزشکان ایران جزء فقیرترین اقشار جامعه هستند. شاید علت این طرحواره اوضاع خوب بعضی از نمایندگان پزشک مجلس است که خودشان خیلی بهشان خوش گذشته و یادشان رفته کف خیابان پزشکی مملکت چه می‌گذرد. نمونه بارز بیگانگی قوه مقننه با جزئیات این طرح این است که تبصره‌های ۱۲، ۱۴، ۱۵ و... که مربوط به محدودکردن پزشکان طرحی بود، همه تصویب شد ولی تبصره ۱۳ که درباره معافیت مالیاتی پزشکان منطقه محروم بود، تصویب نشد و سر از ناکجاآباد درآورد. نتیجه اینکه ای کاش در رد و تأیید این مدل طرح و قانون‌ها اولا کار به نمایندگان مرتبط سپرده شود، ثانیا از قشر جوان پزشکی هم نماینده‌ای در این جمع حاضر باشد تا توازن قدرت بین پزشکان قدیمی ثروتمندتر و پزشکان جدید فقیرتر برقرار شود، شاید این‌گونه دردی از درد مردم و پزشکان درمان شود.